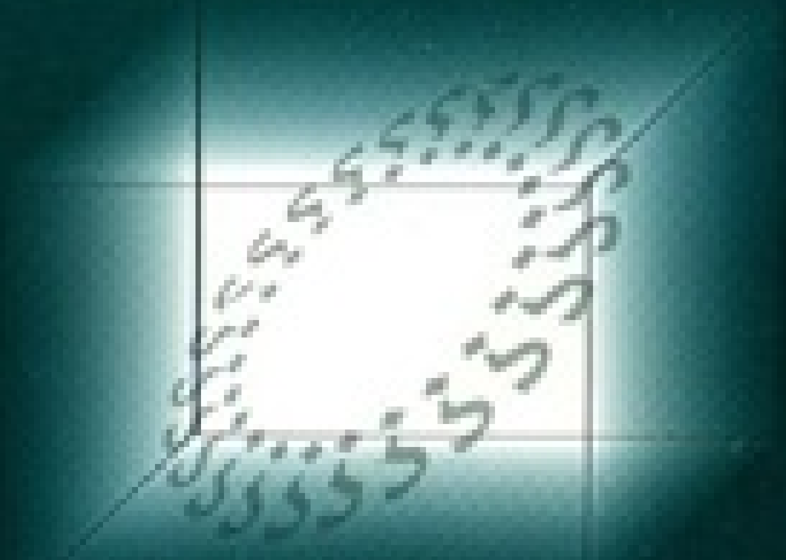
وهابیت

معمای یک ایدئولوژی بسته



گزارش تحقیقی کورتین وینزر

فرستاده پیشین آمریکا در خاور میانه

بسم الله الرحمن الرحیم

وهابیت معمای یک ایدئولوژی بسته

نویسنده:

مرکز تحقیقات حج

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
وهابیت معمای یک ایدئولوژی بسته ----- ۶
مشخصات کتاب ----- ۶
پیشگفتار ----- ۶
سیر قدرت‌یابی وهابیت ----- ۹
آموزه‌های سیاسی نو وهابیت ----- ۱۵
صدور کینه و خصومت به اقصی نقاط جهان ----- ۱۹
وهابیت در غرب ----- ۲۲
علل مماشات و بی‌تحرکی آمریکا ----- ۲۸
ترجیح وهابیت ستیزه جو بر شیعه مداراطلب ----- ۳۲
(خطاهای خسارت بار عصر بوش) ----- ۳۲
درباره مرکز ----- ۳۹

وهابیت معمای یک ایدئولوژی بسته

مشخصات کتاب

نام کتاب: وهابیت معمای یک ایدئولوژی بسته

نویسنده: مرکز تحقیقات حج

موضوع: اعتقادات و پاسخ به شبهات

زبان: فارسی

تعداد جلد: ۱

ناشر: نشر مشعر

مکان چاپ: تهران

نوبت چاپ: ۱

ص: ۱

پیشگفتار

تاکنون آثار واسناد فراوانی در باب ایدئولوژی وهابیت و سلفی‌هایی که امروز فرماندهی و بدنه تروریسم در خاورمیانه را در اختیار دارند منتشر شده اما اغلب این گزارش ها که متعلق به مراکز امنیتی و تحقیقاتی آمریکا است با یک نقص بزرگ روبه رو بوده است و آن این که ملاحظه مراتب دوستی استراتژیک ریاض وکاخ سفید باعث شده پرسش های تاریخی در باب نحوه انتشار وانتقال جریان وهابیت از شبه جزیره عربستان به اقصی نقاط جهان و همین طور ابهام های مربوط به ظهور نسل جدید نووهابی یعنی طالبان والقاعده بی پاسخ بماند. شاید گزارش تحقیقی دیپلمات کهنه کار آمریکا در

MideastMonitor

از این جهت ارزشمند وشایان توجه است که مطالبی را به طور بی پروا درسه حوزه مهم:

۱- چگونگی قدرت یابی وهابیت،

۲- بهره‌برداری حکومتگران سعودی از ایدئولوژی وعلمای وهابی و سلفی،

ص: ۲

۳- موارد تبانی ایالات متحده با سعودی ها، بازگو می کند که قاطبه کارشناسان و گزارشگران آمریکا از طرح آنها امتناع می‌ورزیدند.

گزارش کورتین وینزر از جهات دیگر نیز حائز اهمیت است. او به عنوان فرستاده ویژه آمریکا به خاورمیانه در دوره و حکومت ریگان شاهد عینی دوران شکل گیری یکی از پیمان های تاریخی میان ریاض و واشنگتن در دهه بوده است، پیمانی که درنهایت به ظهور طالبان و القاعده منجر شد و وهابیون با امضای دولتمردان وقت آمریکا اجازه یافتند در فراسوی مرزها به تسلیح وتجهیز جوانان کشورهای فقیرآفریقایی و آسیایی درجهت آرمان های ایدئولوژیک خویش مبادرت کنند.

وینزر در گزارش خود خطاب به مراکز امنیتی آمریکا که از موج تروریسم هوشمند جنگجویان سلفی کلافه وسردرگمند، نکات هشدار دهنده‌ای را در باب تشخیص‌های اشتباه بوش از جریانات اسلامی یادآوری می‌کند. او ضمن بیان انحراف‌های آئین وهابیت از اسلام و اعتقادات اصیل مسلمانان، نشان می دهد که چگونه این تشخیص‌های شتابزده و حساب نشده به نوشتن لیست نادرست از گروه‌های تروریستی در کاخ سفید و تقابل

ص: ۳

آمریکا با ایران شیعه منجر شد. نویسنده گزارش وهابیت به مثابه فاشیسم ایدئولوژیک در کارنامه خویش سابقه

ص: ۴

تصدی سفارت آمریکا در کاستاریکا در خلال سال‌های- را دارد. وی رئیس و مالک شرکت آمریکایی مارمت است و در هیأت مدیره چند سازمان سیاستگذاری عمومی از جمله مؤسسه ویلیام اچ دانر، مؤسسه اطلس در امور تحقیقات اقتصادی، مرکز تحقیقات رسانه و انستیتو هودسون کار می کند.

سیر قدرت‌یابی وهابیت

وهابیت، برگرفته از آموزه های محمد بن عبدالوهاب، چهره متعصب قرن هجدهم میلادی از اهالی نواحی مرکزی عربستان است. وهابی ها همچون اغلب جریان های رادیکال مذهبی از جمع بین قدرت دولت و ایدئولوژی و تز استقرار خلافت دفاع می کنند. (خلافت شکلی از حکومت است که برخی فرمانروایان وقت با ادعای جانشینی پیامبر ۹ در عصر گسترش جهان اسلام آن را اختیار کردند.)

آنچه وهابیت را از سایر جریان های دینی در جهان تسنن متمایز می سازد، اشتغال و تلاش وهابی ها به تصفیه و پاکسازی سایر فرق اسلامی از جمله، شیعیان، صوفیه و سایر نحله های مسلمانان است که تفسیر مخدوش و تحریف شده وهابیت از اسلام را نمی پذیرند. در سال، ابن عبدالوهاب با آل سعود پیمانی تاریخی

ص: ۵

بست و به اقدام های خود دایر بر حذف و نابودی سایر رقبای مذهبی وجهه قانونی داد.

در مقابل، آل سعود هم از اقدام های متعصبان وهابی مبنی بر آنچه این فرقه پاکسازی زمین از لوث وجود «کافران» می خواند، پشتیبانی کرد.

در سال، جنگجویان وهابی و سعودی به عراق فعلی حمله کردند و کربلا شهر مقدس شیعیان را مورد غارت و چپاول قرار دادند که در نتیجه این تهاجم بیش از هزار نفر کشته شدند. سعودی ها پس از تصرف مکه و مدینه، قبور مقدس اولیای شیعه، نظیر جنات البقیع- که قبور تن از امام شیعه در آن واقع است- را با خاک یکسان کردند. با این ادعا که وجود مقبره «بدعت» و نماد بت پرستی است.

علمای وهابی به پاس حمایت و پشتیبانی خود از سلطه خانواده سلطنتی بر حوزه های سیاسی، امنیتی و اقتصادی، توانستند نظارت و کنترل نهادهای مذهبی و آموزشی دولتی را به دست گیرند و اجازه یافتند تا تفسیر خشک و سختگیرانه خود از شریعت اسلامی را به مورد اجرا بگذارند.

وهابیت تا دهه تا حد زیادی به شبه جزیره عربستان محدود می‌شد، اما در دهه که پادشاهی سعودی به اعضای تندروی جمعیت اخوان المسلمین که از

ص: ۶

آزار و شکنجه حکومت جمال عبدالناصر می گریختند، پناه داد، میان اصول عقیدتی بدوی اما جدا افتاده و منزوی وهابیت- یعنی ایدئولوژی رسمی سعودی- با تعالیم سلفی برخی مؤسسین اخوان المسلمین که حاکمان سکولار عرب را به مثابه کافران و اهداف مشروع جنگ مقدس و جهاد معرفی و محکوم می کرد، امتزاج و پیوندی حاصل شد. این ترکیب تازه در واقع تلفیق محافظه کاری فرهنگی و اجتماعی وهابیت و رادیکالیسم سیاسی اخوانی ها بود که موجب پدید آمدن گونه ستیزه جوی وهابیت شد که سرانجام القاعده از آن پدید آمد.

اصطلاحات نادرستی مانند فاشیسم اسلامی و فاشیسم مذهبی که برخی محافل غرب بارها به اشتباه از آنها برای اشاره به همه اشکال اسلامگرایی استفاده کرده‌اند، امروز نام های مناسبی برای وهابیت به نظر می رسند. امتناع فرقه وهابی از پذیرش حقوق فردی، تحقیر وتخفیف حقوق و شأن و منزلت زنان، بی اعتنایی به ارزش های واقعی و فطری حیات انسان و تشویق خشونت بر ضد حریفانش که آنها را کافر می نامد همگی از جمله مواردی است که در میان جنبش های اصولگرای اسلامی نظیر ندارد.

جیمز وولسی رئیس سابق سازمانCIA «سیا»، برای توصیف وهابیت از عبارت «توتالیتاریانیسم تئوکراتیک» استفاده می کند، عبارتی که هم تمایل جریان وهابی به

ص: ۷

کسب قدرت در جزیی ترین شئون حیات روزمره مسلمانان و هم جاه طلبی های جهانی آن را برجسته می‌سازد. وی همچنین به این نکته اشاره می کند که مریدان فرقه وهابی با بر افراشتن بیرق اسلام، منافع ملی، سیاسی و یا سرزمین خاصی را دنبال نمی کنند. با همین نگاه، ایمن الظواهری مرد شماره القاعده، با لحنی تند، گروه اسلامگرای فلسطینی حماس و جمعیت اخوان المسلمین مصر را به دلیل شرکت در انتخابات ملی محکوم کرد. درخلال دهه، روحانیون وهابی گسترش این آمیزه به اصطلاح انقلابی و بدوی عقیدتی را در سطح دانشگاه ها و مساجد سعودی ترویج کردند زیرا سعودی‌ها می‌پنداشتند که وهابیت به مثابه سد و مانعی در برابر تهدید ناشی از غربی شدن فرهنگ وچتر مصونیتی برای فساد ناشی از افزایش قیمت نفت که از دهه شروع شد، است. اشغال مسجدالحرام در مکه از سوی طلبه های تا بن دندان مسلح وهابی در سال زنگ خطر را برای سعودی ها به صدا در آورد. پس از این، خانواده سلطنتی در پی فرصتی بودند که در سایه آن، افراط گرایی فزاینده و رو به رشد ناشی از نسل تازه وهابیت را تغییر جهت دهند. تهاجم شوروی به افعانستان همان نقطه انحرافی بود که خاندان سلطنتی روی آن انگشت نهاد.

سعودی ها با همکاری و مساعدت سازمان اطلاعات و

ص: ۸

امنیت داخلی پاکستان(ISI) و سازمانCIA روی برنامه کمک به مجاهـدین افغان به طور گسترده سرمایه گـذاری کردنـد. دراین راسـتا آنها به منظور نشـر ادبیات و ایـدئولوژی نو وهابی در اردوگاه‌های پراکنـده و نامنظم پناهندگان افغان در پاکسـتان، از مدارس تنـدرو و افراطی حمایت مالی وسـیع کردند. آنها همچنین، هزاران جهادگر داوطلب را از عربسـتان سـعودی و سایر کشورهای عربی برای جنـگ، دوشـادوش مجاهـدین، بـه افغانسـتان گسـیل کردنـد. ایـن به اصـطلاح «اعراب افغـان» پس از عقب نشـینی شـوروی از افغانسـتان در سال در مناطق گسترده‌ای از جهان پراکنده شدند و به نام اسلام به مبارزه با حریفان‌شان که همچنان آنها را کافران می خواننـد، ادامه دادند. دراین مسـیر واعظان ستیزه جوی وهابی نیز با آنها همراه شدند. در واقع این طیف– اعراب افغان– سـتون فقرات القاعده را می‌سازند.

ستاد عملیاتی القاعده در ابتدا در بخش هایی از سودان لانه گزیده بود، اما در پی اشغال کابل توسط طالبان، به افغانستان کوچ کرد. طالبـان نیروی افغان تازه‌ای بود که اعضای آن از مـدارس وهابی جـذب شـده بودنـد و پاکسـتانی ها به آنها آموزش دادنـد. برهمین اساس غایت و

آرمان طالبان برپایی دولت الگو و نمونه وهابی در افغانستان بود.

ص: ۹

خانـدان سـعودی، در پاسخ به فشارهای زیاد واشـنگتن تابعیت سـعودی بن لادن را لغو کرد اما در زمینه مقابله با مؤسـسه وهابی، در داخـل و خـارج از کشور، که اغلب در پوشـش نهادهـای خیریه فعالیت داشـتند، اقـدام چنـدانی به عمل نیاورد. این در حالی بود که تهـاجم ایـدئولوژیک وهابیت در سراسـر جهان متکی بر کمک های نقـدی و پشتیبانی مالی حکومت سـعودی بود و پول القاعـده از طریق همین مؤسسه های خیریه جمع‌آوری می‌شد.

بسـیاری عقیـده دارنـد که اسامه بن لادن با شاهزاده ترکی الفیصل- که در زمان راه انـدازی اعراب افغان و تأسـیس طالبان، ریاسـت نهاد قدرتمنـد سازمان اطلاعات و امنیت حکومت سـعودی را در دست داشـت- در اواسط دهه به یک توافق مهم رسـیده است که به موجب آن توافق، القاعـده پادشـاهی را هـدف حملات خود قرار نخواهـد داد و پادشـاهی سـعودی هم مـانع از جمع آوری و انتقال کمک مؤسـسه های سـعودی برای القاعـده نخواهد شد و بن لادن را هم مسترد نخواهد کرد. شاید پیرو همین پیمان‌نامه تاریخی بود که القاعده پیش از سـپتامبر، به کلی از انجام حملات به اهداف سـعودی در عربسـتان خودداری کرد. اما پس از سـپتامبر برای مدتی حکومت

سعودی تحت فشار واشنگتن، برنامه سرکوب سلول های مخفی القاعده در عربستان را آغاز کرد، حملات

ص: ۱۰

تروریستی و درگیری میـان نیروهـای پلیس سـعودی و ستیزه جویان وهابی پس از ماه مه به طور نامنظم روی داده است. با این وجود به نظر می رسـد که بیشتر گروه هـای تروریستی وابسـته به القاعـده همچنـان به همان «پیمان‌نامه تاریخی با ترکی الفیصل» احترام می گذارنـد زیرا صـدها نفر از اعضای خاندان سـلطنتی سـعودی بدون واهمه از به قتل رسـیدن به سراسـر نقاط جهان سـفر می کنند. از نشانه‌های دیگر این بده بسـتان میان القاعده و سـعودی‌ها این است که تروریست ها صـنعت نفت حساس و آسیب پذیر این کشور را تنهـا یـک بـار هـدف حملاـت قرار دادنـد. پادشـاهی سـعودی هم با وجود همکاری محـدود با واشـنگتن در زمینه کنترل منابع مالی تروریست ها، متقابلًا به تعهـد خود مبنی بر گسترش وهابیت در داخل و خارج از کشورپایبند مانده است و این امکان را فراهم کرده که همچنان شمار فزاینده سربازان متعصب و مشتاق برای سازمان های تروریستی در خاک این کشور تربیت وتجهیز شوند.

آموزه‌های سیاسی نو وهابیت

افلاـطون می گویـد ":انسـان نیازمنـد راهنمـای مناسب و فطرت نیکوست، که با وجود آن در میان همه موجودات به فرهیخته ترین و ملکوتی ترین موجود تبدیل می شود. اگر به

ص: ۱۱

قدر کافی آموزش نبیند یا آموزش نا درست ببیند به وحشی‌ترین موجودات زمینی بدل خواهد شد."

برآورد می‌شود که بیشتر از یک سوم برنامه های آموزشی مدارس دولتی در عربستان سعودی به تعالیم وهابی اختصاص دارد. بخشی از متون درسی مدارس سعودی پس از سپتامبر در رسانه های آمریکا نقل شد که جنجال های زیادی را برانگیخت. مثلًا یک کتاب درسی به دانش آموزان کلاس این را القا می کند که روز داوری فرا نمی‌رسد مگر آن که مسلمانان با یهودیان جنگیده و آنها را بکشند. در حالی که در متن دیگر آمده: بر مسلمانان واجب است تا کافران را دشمنان خود بشمارند.

حکومت سعودی که به دنبال این افشاگری ها آشفته و سردرگم بود، مدعی شد که بررسی و بازنگری برنامه های آموزشی مدارس کشور را در دستور کار قرار داده است و وعده داد که تمامی چنین متونی از کتاب های درسی حذف خواهند شد. با این وجود، سال گذشته فریدام هوز(Freedom House) گزارش جامعی درباره برنامه های آموزشی جدیدعربستان منتشر کرد و در خاتمه چنین نتیجه گیری کرد که:

«اشاعه و تبلیغ ایدئولوژی نفرت و دشمنی نسبت به مذاهب وآئین های دیگر شامل مسیحیان، یهودیان،

ص: ۱۲

شیعیان، هندوها، صوفی ها و مسلمانان سنی که از آموزه‌ها و تعالیم وهابیت پیروی نمی کنند و بی ایمان و کافر تلقی می شوند، همچنان ادامه دارد.»

بعضی از تحلیلگران ارتباط میان تعالیم وهابیت و اقدامات وهابیون را رد می‌کنند، زیرا معتقدند صرف اعتقاد به آئین و مرامی به‌شدت محافظه کار و مخالف با تکثرگرایی لزوماً از کسی، یک انسان بی‌رحم نمی‌سازد. اما این دیدگاه و استدلال کاملًا بی پایه و مغالطه آمیز است زیرا اگر تنها یک درصد از میلیون دانش آموز سعودی تحت تأثیر تعالیم وهابی، به خشونت متوسل شوند، در این صورت هزار نیروی جنگجو پدید می‌آید. تعجبی ندارد که خود بن لادن هم در پیام صوتی آوریل دخالت خارجی ها در برنامه های آموزشی مدارس سعودی را محکوم کرد. علاوه بر این، روحانیون وهابی در عربستان سعودی که از به اصطلاح جهاد علیه دشمنان اسلام درخارج از کشور دفاع می کنند، از این تعالیم پشتیبانی می کنند. مخصوصاً تحریک به خشونت بر ضد شیعیان رایج و متداول است تا جایی که در دسامبر

سال، یک روحانی عالیرتبه نزدیک به خانواده سعودی به نام عبدالرحمن البراک، شیعیان را به عنوان فرقه ضاله، حتی خطرناکتر از یهودیان و مسیحیان محکوم کرد. در نوامبر سال، روحانی وهابی که بیشتر آنها

ص: ۱۳

اساتید مطالعات اسلامی در دانشگاه های مختلف کشور بودند و از حمایت مالی حکومت سعودی برخوردارند، فتوای جنگ بر ضد نیروهای آمریکایی در عراق را صادر کردند.

دو مقام سعودی در مصاحبه‌ای با رسانه های غربی این فتوا را محکوم کردند اما در مورد باز پس گیری فتوا مطلبی در رسانه‌های محلی به عربی منتشر نشد. چند ماه بعد، یک گروه مخالف با دولت سعودی نوار ویدئویی را منتشر کرد. صالح بن محمد اللحیدان ریاست شورای عالی قضایی عربستان سعودی در نوار ویدئویی به جوانان سعودی حاضر در مسجدی دولتی توصیه می کند که چطور به داخل خاک عراق رخنه کنند و با نیروهای ایالات متحده بجنگند، همچنین به آنها اطمینان می‌دهد که نیروهای امنیتی سعودی پس از بازگشت به کشور، آنها را مجازات نخواهد کرد. هرچند لحیدان آشکارا اظهارات خود را پس گرفت اما نوارهای ویدئویی روحانیون برجسته سعودی که مردم را به برپاکردن جنگ وشورش مقدس در عراق و نقاط دیگر تشویق می کنند، همچنان دست به دست می‌چرخد.

ص: ۱۴

صدور کینه و خصومت به اقصی نقاط جهان

با وجود این که شهروندان سعودی همچنان به عنوان پیشتازان افراطگرایی مذهبی در سراسر جهان هستند، اما ساز وکار اشاعه و رشد ایدئولوژی وهابیت در خارج از عربستان قرار دارد. سعودی ها در طول دهه گذشته حداقل میلیارد دلار برای اشاعه و تبلیغ وهابیت در خارج از کشور هزینه کرده‌اند. و عقیده بر این است که با افزایش سرسام آور قیمت نفت در سال گذشته، میزان سرمایه گذاری سعودی ها دراین زمینه باز هم افزایش یافته است. قسمت عمده‌ای از این سرمایه ها صرف ساخت و تأمین هزینه‌های اجرایی مساجد، مدارس و سایر مؤسسه‌های مذهبی می‌شود که وهابیت را تبلیغ و ترویج می کنند. همچنین حکومت سعودی از تربیت امامان جماعت وهابی، نفوذ و تسلط بر رسانه‌های گروهی، انتشار نشریات، توزیع کتاب‌های درسی و مجلات وهابی و اعطای هدایا و جوایز به دانشگاه‌های تحت نفوذ این فرقه حمایت می کند.

میزان سرمایه گذاری سعودی‌ها در ترویج وهابیت یک رقم افسانه‌ای است. حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی و کومینترن آن، در مقایسه با سعودی‌ها تنها حدود میلیارد دلار برای تبلیغ ایدئولوژی کمونیسم در

ص: ۱۵

سراسر جهان در خلال سال‌های و هزینه کردند.

فقدان سلسله مراتب رسمی در سازمان روحانیت تسنن موجب می شود مؤسسات مذهبی أهل سنت در مواجهه با فعالیت های مبلغان وهابی که حالتی سازمان یافته و به‌شدت تشکیلاتی دارد، تضعیف شوند. بیشتر مسلمانان تسنن برای بهره مندی از ارشاد و راهنمایی مذهبی به امامان محلی خود تکیه دارند. این امامان و رهبران محلی اغلب کشورها به دلیل فقر حاکم ایستادگی در برابر نغمه ناموزون وهابیت را که با کمک های سعودی همراه است، دشوار می یابند. به عبارتی امامان معتدل تسنن منابع مالی قابل مقایسه‌ای دراختیار ندارند تا از آنها در مبارزه با گسترش وهابیت استفاده کنند. امروز یکی از قلمروهای مهم اشاعه وهابیت در جنوب و جنوب شرقی آسیا واقع است جایی که به لحاظ جمعیت اکثریت مسلمانان جهان در آنجا زندگی می کنند. وهابی ها در پاکستان، اندونزی، فیلیپین، مالزی و جنوب تایلند امامان روستاها و نواحی اطراف را انتخاب و یا با افراد دلخواهشان جایگزین کرده‌اند و موج تازه‌ای از نو وهابیون که پس از اقامت در عربستان سعودی در پوشش کارگر خارجی به کشور خود باز می‌گردند، بوجود آمده است.

فرزندان این نووهابیون فقیر غالباً برای تحصیل به عربستان

ص: ۱۶

سعودی می‌روند و بسیاری از آنها پس از بازگشت به کشور به عنوان قربانی و سپر بلا- در جبهه‌های تروریستی ویا عملیات‌های انتحاری وهابیت مورد استفاده قرار می گیرند. حتی امروزه در هند وهابی‌ها تلاش‌هایی را آغاز کرده‌اند تا نه تنها بخشی از اقلیت بزرگ مسلمانان آن کشور بلکه حتی طبقه نجس‌ها (هاریجان‌ها) را هم جذب کنند.

با وجود این، در جمهوری‌های آسیای مرکزی، پس از دهه‌ها حکومت کمونیستی که موقعیت سازمان های سنتی اسلامی را تضعیف کرده بود، وهابیت هنوز نتوانسته در این کشورها پیشرفت چندانی پیدا کند. در این میان برخی از جمهوری های آسیای مرکزی بخصوص ازبک‌ها ناگزیر شده‌اند با قوای قهر، گروه‌های ستیزه‌جوی سلفی را سرکوب کنند. در این کشورها همچنین تلاش می‌شود که نظام های آموزشی مبتنی بر آیین حنفی که اسلام مدارا و صلح جو را تبلیغ می کنند، رواج یابد.

درسوی دیگر وهابی ها خطه آفریقا- و به‌خصوص سودان و نیجریه- را به منطقه مهم و کلیدی گسترش وهابیت مبدل کرده اند. در قاره سیاه حضور چند دولت شکست خورده و وجود شکاف قبیله ای بستری مناسب برای بهره برداری و سوء استفاده این جریان شده است.

عامل اصلی گسترش وهابیت در همه این مناطق مشابه

ص: ۱۷

است و آن ثروت قابل توجه و چشمگیر عربستان سعودی است که امکان ترویج جهانی وهابیت را فراهم می کند نه گرایش واقعی به تعالیم و آموزه های آن. مسلمانان میانه رو در سراسر نقاط جهان ارزیابی بشیر گوتار روزنامه نگار سومالیایی را باز گو می کنند که می نویسد:

«فرهنگ اسلامی ملهم از اسلام مدارا و رواداری در کشورش اینک از سوی تفسیر تازه‌ای از اسلام «که خود را به مردم ما تحمیل کرده است» یعنی وهابیت پس زده شده است به هر سو که نگاه کنیم نسخه ای بیگانه و تحریف شده از اسلام را می‌بینیم.»

وهابیت در غرب

سرمایه‌گذاری و ترویج وهابیت منحصر به جهان اسلام نمی باشد. سعودی‌ها بر روی ساخت هزاران مسجد، مدرسه و سایر مؤسسه‌های دینی در کشورهای غربی سرمایه‌گذاری کرده‌اند زیرا اقلیت‌های مسلمان در این کشورها در خلال سه دهه گذشته رشد سریعی داشته‌اند. مسأله نفوذ وهابیت در دولت‌های رفاه اجتماعی اروپای غربی جدی‌تر است، زیرا بیکاری گسترده شمار عظیمی از جوانان مسلمان را پدید آورده است که به بهای پایمال

شده اصول اولیه حقوق و منزلت انسانی خود به طفیلی دائمی وجود دولت بدل شده‌اند. وضع فوق سبب بروز

ص: ۱۸

احساس یأس در میان مهاجران می شود که از دید وهابیون مستعد عضوگیری های تروریستی می باشند. عاملان بمبگذاری تروریستی متروی لندن در سال بریتانیایی‌های پاکستانی الأصل بودند که در همان بریتانیا جذب تشکیلات تروریستی وهابیت شدند و در خلال چند دیدار از پاکستان با نحوه استفاده از مواد منفجره آشنا شدند. اقدام هلندی مراکشی تبار که تئودور وان گاف فیلمساز هلندی را در سال به قتل رساند هم محصول القائات وهابی ها بود. توفیقات وهابیت در ایالات متحده کمتر بوده است زیرا در آمریکا بر خلاف اروپا، از انبوه جوانانی که در بدنه اجتماع جذب نشده اند خبری نیست. از طرفی قوانین اجتماعی ایالات متحده دیگر به جوانان امکان برخورداری از اوقات بیکاری به مدت طولانی که یارانه دولتی به آن تعلق بگیرد را نمی دهد و مهاجران (هم مسلمانان و هم غیرمسلمانان) مایلند به لحاظ شغلی از جایگاه با ثبات‌تری در جامعه آمریکا برخوردار شوند. با همه این ها، وهابیت درشماری از مؤسسات عمده و برجسته اسلامی ایالات متحده سرمایه گذاری فراوان کرده است.

فریدام هاوز در گزارش سال، در حدود

کتاب و آثار دیگر که با حمایت مالی عربستان سعودی در مسجد عمده و اصلی آمریکا، توزیع شده است را مورد

ص: ۱۹

بررسی قرار داده است. یک چنین کتاب هایی که ممهور به مهر سفارت سعودی هستند و توسط مسجد ملک فهد در لس آنجلس توزیع شده اند حاوی دستورات زیر برای مسلمانان ساکن آمریکاست:

"با کافران قطع رابطه کنید، به خاطر دین شان از آنها بیزار باشید، آنها را تنها بگذارید، به کمک آنها وابسته نباشید، آنها را تحسین نکنید و از هر راهی مطابق با قوانین اسلامی با آنها مبارزه کنید. هر کس به کافران بر ضد مسلمانان یاری رساند، قطع نظر از نوع کمکی که به آنها می رساند، او خود کافراست. هرگز نخست به یهودیان و مسیحیان سلام نکن، هرگز اعیاد یک کافر را به وی تبریک نگو، هرگز کافری را به دوستی مگیر مگر آن که دوستی با وی موجب تغییر کیش وی شود، هرگز کافران را سرمشق خود قرار نده، هرگز برای کافر کاری انجام نده، ردای فارغ التحصیلی نپوش زیرا این کار تقلید از کافران است. "با وجود آن که مؤسسات مذهبی که از پشتیبانی مالی حکومت سعودی برخوردارند، پس از سپتامبر تحت مراقبت بوده‌اند تا از دامن زدن به خشونت و یا حمایت علنی از آن اجتناب شود، اما آنها بی‌پروا و بدون

هرگونه پشیمانی، سوء ظن و بدگمانی نسبت به غیر مسلمانان و تفکیک و جداسازی میان خود را ترویج می‌کنند. درواقع آنها، تلاش می‌کنند آن نوع شرایط

ص: ۲۰

اجتماعی را که تندروی و عضوگیری‌های تروریستی در اروپا را تشدید کرده است، در آمریکا تجدید کنند.

دولت ایالات متحده مدت‌هاست که سازمان‌های مذهبی نظیر شورای مسلمانان آمریکا(AMC) که از حمایت مالی حکومت سعودی برخوردارند، را به منزله نمایندگان جامعه مسلمانان آمریکا قلمداد می کند. عبدالرحمن الموعودی بنیانگذارAMC در دوران زمامداری بوش و کلینتون بارها از کاخ سفید دیدار کرد. (وی اینک به‌خاطر دریافت غیر قانونی صدها هزار دلار از دولت لیبی در زندان است).

دسترسی گسترده سیاسی به مقامات این امکان را برای چنین گروه هایی فراهم ساخته است تا به زندان های آمریکا رخنه کنند. اداره زندان‌های ایالت متحده، به تأیید صلاحیت روحانیون و واعظین از سوی به اصطلاح دانشکده تحصیلات تکمیلی علوم اجتماعی و اسلامی(GSISS) سازمانی که از حمایت مالی حکومت سعودی برخوردار است، وابسته است. مثال روشن رخنه وهابی‌ها به نظام زندان‌های آمریکا، موضوع امام دین عمر، مدیر روحانی در اداره تعزیرات ایالت نیویورک است. عمر تازه مسلمان آمریکایی بود، که دیدار از عربستان سعودی به عمل آورد و در دانشکده تحصیلات تکمیلی علوم اجتماعی و اسلامی تحصیل کرد و کسانی را که وی به

ص: ۲۱

عنوان روحانیون و قاضـی عسـکر برگزید، به زندانی مسـلمان در زندان های نیویورک دسترسی انحصاری و کم نظیری داشتند. طبق گفته جـان اس پیسـتول، معاون وقت FBI در امور مبـارزه بـا تروریسم، معلوم شـد که عمر مـانع از دسترسـی زنـدانیان به کتاب های اسـلامی غیر وهـابی و یا مانع از دیـدار با امامان غیر وهابی شـده و با موعظه این که «بایـد از هواپیماربایان سـپتامبر به عنوان شـهدا و قهرمانان یاد کرد»، درصدد تحریک زندانیان بر ضد آمریکا برآمده است.

در حالی که شواهـد اندکی وجود دارد مبنی بر این که القاعده در نظام زندان های آمریکا عضوگیری کرده باشد، قابل توجه اسـت که خوزه پادیلا ـ (وی در سـال در ارتبـاط بـا نقشه القاعـده برای منفجر کردن یـک «بمب کـثیف» بمب آلوده به مواد رادیواکتیو در ایالات متحده بازداشت شد) نخستین بار زمانی که زندانی بود، اسـلام وهابی را پذیرفت. درست همانطور که ریچارد رید در بریتانیا (این به اصطلاح «بمبگذار کفش» که مثلًا بمب را در کفش خود جاسازی کرده بود، در سال

بازداشت شد) و ابومصعب الزرقاوی در اردن چنین راهی را پیمودند.

شورای امور کهنه سربازان و نیروهای مسلح مسلمانان آمریکا (شاخه ای از AMC) همراه با جامعه

ص: ۲۲

اسلامی آمریکای شمالی(ISNA) که از حمایت مالی عربستان سعودی برخوردارند، از حق انتخاب، آموزش و تأیید صلاحیت همه روحانیون و واعظین مسلمان برای خدمت در نیروهای مسلح ایالات متحده پشتیبانی می کند. گزارش شده است که عربستان سعودی امکان سفرهای رایگان به مکه، برای بیش از تن از پرسنل ارتش ایالات متحده، ظاهراً به منظور ادای فرایض حج شان را فراهم کرده است. الموعودی مقرر داشت مؤسسه علوم اسلامی و عربی(IIAS) که سازمانی در کنترل دولت سعودی است به شهروندان و سربازان آمریکایی آموزش‌های اسلامی لازم را بدهند تا وقتی که روحانیون و واعظین مسلمان در دسترس نیستند، امکان بهره‌مندی از ارشاد آنها فراهم شود.

روزنامه وال استریت ژورنال هم گزارش داد که نشانه‌هایی وجود دارد مبنی بر این که مدارس سعودی برداشت نابردبار و ضد غربی از اسلام را تبلیغ می کنند، برداشتی که تشکیلات مذهبی پادشاهی سعودی از آن پشتیبانی می کند. با وجود آن که سفیر عربستان سعودی

در واشنگتن سال گذشته گفت که حکومت متبوع وی با بررسی دقیق تمامی فعالیت‌های مبلغان در ایالات متحده موافقت می کند، روشن است که سعودی‌ها در وهله نخست نگران تبلیغات پر سر و صدا هستند، نه این که

ص: ۲۳

بخواهند از نفوذ و تسلط خود بر سازمان های اسلامی در آمریکا دست بردارند.

علل مماشات و بی‌تحرکی آمریکا

با وجود آن که، امنیت آمریکا با عمیق ترین تهدیـدات از سوی جریان وهابیت و دنباله های آن یعنی القاعده و طالبان روبروست اما حکومت بوش تمـایلی به اعمال فشار زیاد به سـعودی‌ها برای توقف اشاعه وهابیت نشان نمی دهـد. برای این مماشات دلایلی وجود دارد:

عامـل اساسـی و اول، وابسـتگی آمریکا به ذخایر فراوان نفت عربسـتان است که به سـعودی ها امکان می دهـد تا حتی میلیون بشـکه نفت مازاد بر سـهمیه خویش تولید کنند. این تولید مازاد «انرژی معادل با سـلاح‌های هسته‌ای» نامیده شده است زیرا سعودی‌ها را در موقعیت بی‌سابقه و منحصـر به فردی قرار می‌دهـد تا به کمک این مازاد ظرفیت تولید، هرگونه اختلال و وقفه در جریان صدور نفت سایر تولید کنندگان را جبران کنند و مانع از افزایش بیش از

حد قیمت نفت شوند. این بزرگترین خدمتی است که عربسـتان در ازای پشتیبانی و محافظت ایالات متحده و سایر دول صنعتی انجام می دهد. با این حال به نظر می رسد این اسـتدلال برخی تصمیم گیران آمریکا که برخورد علنی و قاطع با اشاعه نفرت دینی از سوی حکومت

ص: ۲۴

عربستان ممکن است پادشاهی سعودی را به اقدام متقابل و تلافی جویانه سوق دهد، استدلالی بی پایه و اساس است زیرا استفاده عربستان از سلاح نفت، هم جهان صنعتی را منزجر خواهد کرد هم رفاه نسبی که ضامن حفظ ثبات در عربستان است را به مخاطره می افکند.

باز برخی نویسندگان و سیاستمداران اظهار نگرانی کرده اند که سوق دادن خاندان سلطنتی به مبارزه با وهابی‌ها می‌تواند موجب حملات تروریستی به تأسیسات نفتی حساس و آسیب پذیر این کشور شود یا حتی به سرنگونی سلطنت بینجامد که این شق اخیر پیامد به مراتب بدتری به دنبال خواهد داشت. پیامدی از قبیل برپایی حکومتی در عربستان که منحصراً متعصبان مذهبی زمام امور آن را در دست دارند. در حالی که موارد فوق مخاطرات جدی به‌شمار می روند، باید به یاد داشت که تندروهای وهابی سلطنت وحوزه های نفتی آن را به مثابه غاز طلائی تلقی می کنند.

نکته حائز اهمیت این است که سعودی‌ها با جلوه

دادن خود به عنوان کشوری دوست برای غرب است که توانسته‌اند جواز گسترش تفسیر مخدوش و ابتدایی خود از اسلام را بگیرند.

طرح فرضیه های ترسناک تحت عنوان عربستان بدون آل سعود موجب ایجاد این تصور یا برداشت

ص: ۲۵

نادرست می‌شود که گویی خانواده سلطنتی سعودی به طور ذاتی هوادار غرب است، در حالی که واقعیت غیر از این است.

در میان کسانی که در شکل گیری این تصور از کاخ سعودی، در آمریکا نقش بسزا داشته‌اند باید از دیپلمات سرشناس این کشور، شاهزاده بندر بن سلطان یاد کرد. فردی که از سال تا میلادی در سمت سفیر عربستان در ایالات متحده کار می کرد واکنون ریاست نهاد مهم شورای امنیت را در دست دارد. او در لاپوشانی واقعیت‌های مربوط به حکومت سعودی و فرقه وهابی نقش عمده‌ای ایفا کرده است. دیوید ایگناتیوس نویسنده واشنگتن پست درباره ترفندها و شگردآفرینی‌های خاص وی می‌نویسد: بسیاری از رهبران و حتی رئیس جمهوران آمریکا فراموش می کنند که وی نماینده یک پادشاهی مرموز است. بندر نماینده واقعی حکومتی است که اگر تا به امروز به بقای خود ادامه داده به این خاطر

است که با روحانیون خشکه مقدس وهابی که آمریکا را تحقیر می کنند پیمان اتحاد بسته است.

همچنین بندر در رشد آنچه دانیل پایپز آن را فرهنگ زدوبند یا فساد دیپلماتیک می نامد بسیار تأثیر گذار بوده است. فرهنگی که قوه مجریه آمریکا را از برقراری روابط آینده نگرانه و بی‌طرفانه‌ای که سیاست

ص: ۲۶

خارجی ایالات متحده سخت به آن نیاز دارد، ناتوان می سازد. پاییز به «سندرم در چرخان» (Revolving door syndrome) اشاره می‌کند. این پدیده ای است که سیاستمداران و دیپلمات‌های ارشد که در سمت‌های اداری خود با عناصرسعودی مانند بندر ارتباط دارند، از آن حکایت‌های فراوان دارند. اغلب اوقات، آنها از مشاغل سودآور فرا حکومتی برخوردارند و در آن مشاغل به عنوان مشاور برای تاجران و شرکت‌های سعودی کار می‌کنند یا سازمان‌های غیر دولتی که سعودی ها در آن سرمایه گذاری کرده اند را اداره می کنند. آن طور که گزارش شده است «بندر» روزی این ایده خود را برای یکی از همکاران نزدیکش بازگو کرده است. او گفته: مرسوم است که سعودی‌ها از دوستان پس از کناره گیری از مناصب دولتی حمایت می کنند، اگر بدانید در بین آنها که بعداً سر کار می‌آیند چه دوستان بهتری پیدا می‌کنید، متعجب خواهید شد.

حکومت بوش که از مبارزه با گسترش فاشیسم وهابیت در کانون اصلی آن یعنی عربستان سعودی بی‌میل یا ناتوان بوده است در این وادی فقط به اشاعه و تبلیغ دموکراسی مبادرت نموده تا به زعم خویش عرصه را بر گسترش وهابیت تنگ سازد.

به هر حال به نظر می‌آید این شرایط تناقض‌آمیز

ص: ۲۷

همچنان ادامه خواهد یافت. بویژه برقراری نظام های با ثبات و عادلانه، در عراق و افغانستان که با افراط گرایی دینی مخالف باشند، مسأله دخالت آمریکا در این دو بحران، زمینه را برای عضوگیری و جذب نیرو از سوی وهابیت مهیا نگه خواهد داشت.

ترجیح وهابیت ستیزه جو بر شیعه مداراطلب

(خطاهای خسارت بار عصر بوش)

عدم تمایل حکومت بوش به رویارویی با سعودی‌ها پس از سپتامبر، در آغاز با اعتراض‌های آتشین تحلیلگران لیبرال و محافظه کار روبرو شد، اما با کاهش تدریجی این اعتراضات، دولت آمریکا در تصمیمی عجیب سعودی‌ها را رها کرده و بر ایران شیعه و برنامه هسته‌ای آن متمرکز شد. در واقع با این حرکت، حکومت بوش در نظریه‌ای بی‌مبنا، تهدید ایران برای امنیت ملی
آمریکا را به جای تهدید فاشیسم وهابیت نشاند. این جابه‌جایی تا آن حد صورت گرفته که کاخ سفید در عین اتخاذ یک سیاست سختگیرانه علیه ایران، رفتاری توأم با مدارا و انعطاف در قبال عربستان سعودی پیش گرفته است.
با وجود نگرانی‌هایی که دولت آمریکا از برنامه

ص: ۲۸

اتمی ایران در محافل غرب ساخته است، اما بنابر چند عامل مهم می‌توان گفت که، در قیاس با وهابیت ستیزه‌جوی، ایران شیعه چندان تهدید محسوب نمی‌شود.

برخلاف دیپلماسی سعودی، همواره سیاست خارجی ایران بیشتر مبتنی بر ناسیونالیسم و منافع ملی این کشور بوده تا مبتنی براشاعه اسلام شیعه. از طرفی ایران شیعه، همه قواعد حاکمیت واصول رایج دولت- ملت را محترم می‌شمارد اما روحانیون وهابی چنین نمی اندیشند. اینان ممکن است به منظور تبلیغ جهانی وهابیت، از خاندان سعودی به عنوان شر ضرور حمایت کنند، اما چیزی به نام ملت سعودی که دارای منافعی مقدم بر برنامه‌های دینی‌شان باشد را به رسمیت نمی‌شناسند.

مورد ایران از جهات دیگر نیز مستثنی است. تمایلات فاشیستی وهابیت در اسلام‌گرایی شیعه به چشم نمی خورد. روحانیون ایران هیچ گاه مسلمانان غیر شیعه را به عنوان کافرانی که باید آنها را به‌طور منظم و

سیستماتیک از میان برداشت، قلمداد نمی کنند. ازهمین روست که در جهان تشیع، چشم انداز سلطه وتحمیل یک گفتمان مذهبی ایران آن طور که در بین وهابی‌ها وجود دارد به چشم نمی خورد. زیرا اسلام شیعه برخلاف اسلام سلفی دارای منطق سلسله مراتبی است. به طورمثا ل شیعیان عراق و لبنان با طیب خاطر پشتیبانی ایران رامی پذیرند. در

ص: ۲۹

این جا از اجبار و تحمیل خبری نیست و همه شیعیان کشورهای مورد حمایت ایران، به تشکیلات مذهبی خودشان وفادار هستند. اشتباه بزرگتر در واشنگتن پذیرش این باور غالب است که روابط قوی با عربستان سعودی یک برگ امتیاز در دست کاخ سفید در مواجهه با ایران محسوب می شود. این در حالی است که بر خلاف این عقیده، حمایت ایالات متحده از سعودی‌ها ارتباط با ایران را دشوارتر می سازد. واشنگتن بر این واقعیت چشم می بندد که تبرئه سعودی ها از حوادث بیشمار تروریستی و امتناع حکومت بوش از مقصر دانستن رهبران سعودی به‌خاطر اقداماتشان دائر بر آشوب انگیزی و تحریک جنگجویان وهابی (که اغلب در عراق و پاکستان شیعیان را بیشتر از آمریکایی ها به قتل رسانده اند) دلیل اصلی نفرت عمیق از آمریکایی ها در جهان تشیع است. تعجبی ندارد که تظاهرات

مردمی عمده ای که پس از حملات سپتامبر بر ضد القاعده در جهان اسلام برگزار شد از سوی شیعیان برپا شده بود. (در تهران و کراچی)

جالب است بدانیم تشدید درگیری‌های اخیر میان ایالات متحده و ایران، موضع سعودی‌ها را در قبال عراق نسبت به گذشته انعطاف پذیرتر نکرده است. شاهد مدعا وجود گزارشاتی است مبنی بر این که حکومت سعودی

ص: ۳۰

تهدید کرده است در صورت عقب نشینی نیروهای آمریکایی از عراق علناً به حمایت مالی از گروه های شورشی سلفی و مسلح ساختن آنها مبادرت خواهد کرد. در واقع سعودی‌ها این پیام را برای حکومت بوش می فرستند که از اجرای هر طرح آمریکایی مبنی بر واگذاری کنترل عراق به حکومت تحت تسلط شیعیان که به طور دموکراتیک زمام امور را در دست گرفته اند جلوگیری خواهند کرد در حالی که به شورشیان سلفی در عراق پیام می دهند که هر گونه تلاش آمریکا برای انجام یک مصالحه سیاسی را رد خواهند کرد و این که آنها را در رویارویی با پیامدها تنها نمی گذارند.

ایران، سابقه تهاجم مستقیم بر ضد همسایگان خود را ندارد و بر خلاف عراق دوره رژیم صدام حسین، ایرانی‌ها از سلاح‌های کشتار جمعی حتی در خلال جنگ علیه همسایگان یا بر ضد مردم خود استفاده نکرده‌اند.

قوی‌ترین استدلال در تأیید این نگرش به این نکته باز می‌گردد که ایران نیازمند شناسایی جایگاه واقعی خود به عنوان یک دولت ملی معتبر از نظر تاریخی در خاورمیانه است. ایران مدت‌هاست که خواهان آن است که قدرت منطقه ای عمده و برجسته مسلمانان در خاور میانه باشد و احتمالًا هم خواهد بود.

سرانجام واشنگتن مجبور است با این واقعیت روبرو

ص: ۳۱

شود که یـافتن راه‌حل‌هـای قابل قبول دوطرفه برای برخورد با این واقعیت به جای دامن زدن به رویارویی کور با ایران- عادی سازی روابـط با تهران- به نفع ایالات متحـده خواهـد بود. برقراری تماس بین ایالات متحـده و ایران نه تنها نفوذ آمریکا بر سـعودی‌ها را تا حد زیادی افزایش می دهد بلکه تهدید ناشـی از تروریسم سلفی در عراق و تا حد کمتری در افغانستان را مهار خواهد کرد. مقامات سعودی از حکومت بوش مصـرانه خواسـته انـد تا از انجام گفت و گو با ایران خودداری کنـد زیرا می داننـد که کاهش تنش ها در روابط ایران و ایالات متحده توجهات را به صدور لجام گسیخته و مهار نشدنی وهابیت از سوی حکومت سعودی جلب خواهد کرد. کاهش وابستگی آمریکا به نفت عربستان سعودی باید بخشی از هر استراتژی فراگیر و همه جانبه ای باشد

که به مسأله تهدیـد فاشـیسم وهابیت می پردازد. اگر چه پرزیـدنت بوش از تعهـد خود مبنی بر توسـعه منابع انرژی جایگزین شونـده سخن گفته است اما مازاد ظرفیت تولیـد، به سـعودی‌ها امکان می دهـد تا قیمت‌ها را پائین نگه دارند. بنابراین ضـروری است مطمئن باشـیم کـه اسـتفاده از منـابع انرژی جـایگزین شونـده در دراز مـدت مقرون به صـرفه نمی‌باشـد. به‌اسـتثنای پیشـرفت‌های اساسـی در تکنولوژی‌های سوخت، پیش بینی خوش بینانه حاکی از آن است که

ص: ۳۲

سوخت‌های زیستی یعنی اتانول دیزل سنتیتک و نفت زیستی تا سال، درصد نیازهای نفتی ایالات متحده را تأمین خواهد کرد. در کوتاه مدت تا میان مدت تنها ذخیره سازی می تواند به میزان چشمگیری وابستگی نفتی آمریکا را رفع کند.

افزون بر این، رویارویی با تهدید فاشیسم ایدئولوژیک وهابیت به همان استراتژی همه جانبه‌ای نیاز دارد که توانست با گسترش کمونیسم در قرن بیستم مبارزه کند. در حالی که متمم قانون اساسی آمریکا بی‌تردید از حق انتقاد افراد از پلورالیسم، آزادی‌های فردی و سایر اصول متعارف و پذیرفته شده غربی حمایت می کند، هیچ موردی در قانون اساسی آمریکا وجود ندارد که از حق حکومت‌ها یا ملیت‌های خارجی برای اشاعه این پیام، درخاک آمریکا حمایت کند.

همچون سایر نقاط جهان، از کشورهای فقیر مسلمان (بسیاری از این کشورها به کمک‌های اقتصادی حکومت سعودی یا پول‌هایی که کارگران آن کشورها در خلیج فارس برای خانواده‌های خود می‌فرستند، وابسته هستند.) هم نمی‌توان انتظار داشت از ریاض بخواهند عنان مبلغان مذهبی خود را در دست بگیرد. آنها از واشنگتن انتظار اعمال فشار بر حکومت سعودی را دارند.

تردید نباید داشت که اگر چشمه جوشان دلارهای

ص: ۳۳

نفتی به روی وهابیت بسته شود در نبود میلیاردها دلارحمایت مالی عربستان سعودی، عمارت عقیدتی، سیاسی این فرقه شروع به ویران شدن خواهد کرد، به‌خصوص اگر حکومت بوش تلاش هماهنگی به منظور گسترش سازمان های میانه رو اسلامی را در دستور کار قرار دهد. (در این باره تحقیق تازه مؤسسهRAND بعضی راهکارهای خردمندانه را ارائه می کند.)

سرانجام این که، این مسأله تاکنون به طور عمیق پیگیری نشده است که، فقدان عزم جدی حکومت بوش در رویارویی با تهدید فاشیسم ایدئولوژیک وهابیت است که امنیت آمریکا را به مخاطره می‌اندازد نه فقدان راه‌های قابل اجرا و عملی در مبارزه با وهابیت.(۱)۱

۱- مرکز تحقیقات حج، وهابیت معمای یک ایدئولوژی بسته (گزارش تحقیقی کورتین وینزر فرستاده پیشین آمریکا در خاورمیانه)، ۱جلد، نشر مشعر - تهران، چاپ: ۱.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».